

دودِ دل بر سرِ قلم

محمد بقایی (ماکان)



انتشارات تهران



انتشارات تهران

دودِ دل بر سر قلم

اثر دکتر محمد بقایی (ماکان)

چاپ اول، ۲۵۰ نسخه، ۱۴۰۱

ناشر همکار: آما

حروفچینی: شبستری

ناظر چاپ: علی رضا دوستی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۱-۶۷-۷

تهران، خیابان پاسداران، چهارراه پاسداران شماره ۵۱۴ - صندوق پستی: ۴۸۷-۱۹۵۸۵

تلفن‌های انتشارات: ۲۲۵۴۵۲۱۹، ۲۲۷۶۰۶۹۸، ۲۲۷۶۰۶۹۹، ۲۲۷۶۰۶۹۹ تلفکس: ۲۲۵۶۹۸۰۱

تلفن‌های مرکز پخش: ۶۶۹۵۹۹۵۸، ۶۶۹۷۴۱۷۷

کلیه حقوق چاپ و نشر اثر برای انتشارات تهران محفوظ است.

هرگونه برداشت یا اقتباس از این کتاب؛ کلی یا جزئی، به هر شکل (الکترونیکی، دیجیتالی،

چاپ، صوتی، فضای مجازی و...) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد

سرشناسه	: بقایی ماکان، محمد، ۱۳۲۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: دودِ دل بر سر قلم / محمد بقایی ماکان.
مشخصات نشر	: تهران : انتشارات تهران، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۸ ص. : ۲۱/۵×۱۲/۵ سم.
تناوبک	: 978-964-2911-67-7
وضعیت فهرست نویسی	: فبا
یادداشت	: نمایه‌نامه.
موضوع	: مقاله‌های فارسی -- قرن ۱۴ Persian essays -- 20th century
رده بندی کنگره	: PIRAT5
رده بندی دیویی	: ۸۱۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۲۲۵۳۷۰
اطلاعات رکور دکتابشناسی	: فبا

نمایه گفتارها

۱. دیباچه ۹
۲. ایرانیان و هویت جمعی ۱۳
۳. نوروز؛ سرو دلربای بوستان فرهنگ ایرانی ۲۰
۴. راز دل نوروز ۲۳
۵. «خَوَلِ حالنا» یعنی چه ۲۸
۶. رمز پیروزی نوروز ۳۱
۷. زمانه و معنای واقعی یلدا ۳۴
۸. یلدا یعنی پایان شب سیه سفید است ۳۷
۹. جدال امید با محیط ۴۰
۱۰. شادیهای گم شده ۴۳
۱۱. ما و گوهر گمشده زندگی ۴۸
۱۲. تقدیر یا تقصیر؟ ۵۱
۱۳. معضل هو لنا ک خواب گران ۵۶
۱۴. زمانه و تعلیم و تربیت ۶۱
۱۵. علم رسمی و اطفال نو تعلیم ۶۴
۱۶. سرگردانی شیخ اجل ۶۷
۱۷. مشکل محدودنگری و مطلق‌گرایی فرهنگی ۷۱
۱۸. دین در آشکار و نهان ۷۵

۱۹. ریشخند زمان ۷۹
۲۰. انتقاد سازنده یعنی چه! ۸۴
۲۱. سواد بهتر است یا بی سواد؟ ۸۸
۲۲. رشد ناهنجار مدرک گرایی ۹۵
۲۳. روستازادگان دانشمند ۹۹
۲۴. رمز بالندگی شخصیت فرد و جامعه ۱۰۳
۲۵. بگذارید فارسی همچنان مثل شکر باشد! ۱۱۷
۲۶. نسبت نظم و نثر در ایران ۱۲۱
۲۷. ستمهایی که بر زبان ملی می رود ۱۲۹
۲۸. فارسی در اغما ۱۳۲
۲۹. مشروطه و ادبیات معاصر ۱۳۷
۳۰. زن در ادب فارسی ۱۴۵
۳۱. سینما و ادبیات ۱۵۴
۳۲. فراز و فرود ترجمه در ایران ۱۵۸
۳۳. بی رنگی در اسارت رنگ ۱۶۶
۳۴. نیما و شعر جدید ۱۷۶
۳۵. نیما همان ابو حفص سغدی است ۱۸۰
۳۶. این روزها همه «شعر» می گویند ۱۸۵
۳۷. زخم مزمن ممیزی ۱۸۸
۳۸. خودسانسوری ۱۹۳
۳۹. آیا رنجوری کتاب از قانون شفا گذشته؟ ۱۹۷
۴۰. باز هم گلی به جمال این سخنگو ۲۰۱
۴۱. کوشندگان بی ثمر ۲۰۴
۴۲. مشکل اصلی شخص جامعه ۲۰۹
۴۳. میراث ایرانی و رندان آزمند ۲۱۲

۲۱۷	۴۴. میراث فرهنگی و تفکر خامه‌ای
۲۱۹	۴۵. تکمله‌ای بر دو قرن سکوت
۲۲۲	۴۶. معشوق همین جاست
۲۲۶	۴۷. آه از این سوی عالم
۲۲۹	۴۸. از فرهنگ تا مدنیت
۲۳۱	۴۹. در میان آسمان بی‌نم و زمین بی‌بر
۲۳۷	۵۰. جای خالی یعقوب
۲۳۹	۵۱. در احوال روشنفکران
۲۴۵	۵۲. بر همانیم که بودیم و همان خواهد بود!
۲۴۹	۵۳. از باربد و نکبسا تا خسرو آواز
۲۵۴	۵۴. زباله‌دان تاریخ کجاست؟
۲۵۸	۵۵. نسبت رسانه‌ها با زباله
۲۶۱	۵۶. در احوال آشفته‌پندان
۲۶۴	۵۷. کدام توسعه؟
۲۶۷	۵۸. از حرف تا عمل
۲۷۱	۵۹. زنده‌رود و گاوخونی یاد باد
۲۷۴	۶۰. اندوه‌الوند
۲۸۷	۶۱. گردونه‌ی زندگی با مهار عقل و عشق
۲۹۱	۶۲. دین و کاروان زمان
۲۹۵	۶۳. سیر فلسفه در ایران
۳۰۱	۶۴. فلسفه و زندگی
۳۰۹	نمایه نامها و موضوعات

دیباچه

آنان که با شعر حافظ مأنوسند می دانند که عنوان کتاب حاضر برگرفته از این بیت اوست که:

سیاه‌نامه‌تر از خود کسی نمی‌بینم چگونه چون قلمم دود دل به سر نرود
اصطلاح «دود دل» که کنایه است از آه جگرسوز، سابقه‌ای طولانی در شعر فارسی دارد. این تعبیر کنایی قرن‌ها پیش از خواجه شیراز و پس از او تا همین ایام نیز توسط شاعران به کار برده شده، ولی کاربرد هیچ‌یک از آنها به زیبایی و دلنشینی حافظ نیست. غمی را که او از سیاه‌نامه بودنش در دل دارد و بر سرش می‌رود و همه ذهنش را انباشته، به سیاهی دوده یا مرکبی تشبیه کرده که در زمان وی بر سر قلم می‌نشست.

امروزه نویسندگان و شاعرانی که دل در گروی این آب و خاک دارند و معشوقی برتر از آن نمی‌شناسند، وقتی این سرو دلربا را حیرت‌زده در کوران توفانی بلاخیز می‌بینند، این دود دل به صورت واژگانی حزن‌انگیز بر قلمشان جاری می‌شود. بر این اساس می‌توان دریافت که از چه رو چنین عنوانی برای این کتاب انتخاب شده. مقالاتی که در این مجموعه فراهم آمده تجزیه و تحلیلی است از قضایای فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، سرشته‌داری، تاریخی و ادبی که جلگه متأثر از همان دود دل است، زیرا چگونه می‌توان شاهد بود که برای مثال نمونه‌های اصیل نظم و نثر فارسی به‌خصوص شاهنامه به کلی از کتابهای درسی حذف شود و از این داغ که بر جگر می‌نشیند، دود دل بر سر قلم نرود؟ چگونه

می‌توان نظاره گر رواج تفکرات بی‌بنیاد از جمله تقدیرگرایی و اندیشه «الخير فی ما وقع» در جامعه بود، ولی دود دل بر سر قلم ننشیند؟ چگونه می‌توان تماشاگر مطلق‌گرایی فرهنگی بود، بی‌آنکه دود دل بر سر قلم نرود؟ چگونه می‌شود ناظر بر رشد ناهنجار مدرک‌گرایی و خرید و فروش پایان‌نامه و دانشنامه‌های تحصیلی در تمامی مقاطع دانشگاهی بود، ولی قلم بی‌دوده دل باشد؟ چگونه می‌توان نتایج مخرب باورهای ناکارآمد را شاهد بود، بی‌آنکه دودی بر سر قلم برود؟ چگونه می‌شود ستمهایی را که بر زبان ملی می‌رود و در سرزمین فردوسی بی‌هیچ و اهمه‌ای از سوی افرادی معلوم الحال زبان دوم خوانده می‌شود به عیان دید و ناظر حرکت خزنده کتابهای قوم‌گرایان با مجوز رسمی بود، ولی سوز دل به قلم نیاید؟ چگونه می‌توان شاهد از دست رفتن صنعت نشر و کاهش وحشت‌انگیز شمارگان مطبوعات و کتاب تا حد صد نسخه بود آن هم در کشوری که از بنیان نخستین کتابخانه‌ها در تاریخ بوده، ولی باز هم داغ دل بر قلم نیاید؟ چگونه می‌شود از مهجوری میراثی فرهنگی و مصادره آنها از سوی کشورهای تازه به دوران آمده باخبر بود و داغ دل بر سر قلم ننشیند؟ وقتی دریاچه‌ها و تالابها و رودهای یکی بعد از دیگری همراه با محیط زیست به سوی تباهی رفته‌اند و می‌روند و زندگی از زنده‌رود و گاوخونی رخت برشته، کدام دلسوخته پروریده این خاک است که دود دل بر زبان و قلمش نرود؟ اینها و مانند اینها مسائلی است که دود دل بر قلم می‌نشانند.

اکنون دیگر زمانه‌ای نیست که بشود کسی مانند سعدی قلمش را با نیشکر قیاس کند، اگر چنین کند بی‌تردید از احوال زمانه بی‌خبر است، یا انسان لا قیدی است که اگر دنیا را آب ببرد، او را خواب می‌برد. قلمهای حقیقت‌نگر در این ایام از اندوه درون‌مایه می‌گیرند و اوقاتی مکدر دارند. زیرا شاهدند که غمهای این زمانه را که حاصل بی‌تدبیری و ضعف کیاست است، گونی پایانی نیست، از اینجاست که نباید از خاطر حزن انتظار شعر تر داشت. قلم در چنین زمانه‌ای به قول خیام در **نوروزنامه** «سفیر دل» رنجور است و «همانند آتشی که از سنگ و پولاد جهد، تا سوخته نیاید نگیرد و چراغ نشود که از او روشنائی یابند».

آنچه از سر سوز دل به عنوان نمونه ذکر شد، بخشی از مسائلی است که در این کتاب به بیانی شکوه‌آمیز با مایه‌ای از طنز مورد تجزیه و تحلیل و گاه ریشخند قرار گرفته که عمدتاً حاوی موضوعاتی فرهنگی می‌باشند. لازم به ذکر است که مقالات این کتاب در تاریخ معین و مشخصی نگاشته نشده، بلکه هر یک در زمان و حال و هوایی متفاوت نوشته شده که گاه فاصله زمانی آنها متجاوز از چند ماه است، بنابراین برخی ابیات یا عبارات به عنوان شاهد مثال در بعضی موارد ناخودآگاه تکرار شده، ولی از آنجا که هر یک از مطالب دارای محتوایی مستقل است و حذف آنها در یکی از مقالات موجب از دست رفتن پیوستگی جملات و مفهوم دقیق موضوع مورد بحث می‌شد، از این رو نیازی به حذف آنها دیده نشد. این نکته از آن رو ذکر شد که دانسته شود اگر ایرادی است، مؤلف از آن باخبر بوده است.

دیگر اینکه غالب مباحث این مجموعه به رغم استقلال موضوع به لحاظ محتوایی دارای پیوستگی می‌باشند و رکن مشترکی آنها رابه هم پیوند می‌دهد که چنان‌که یاد شد شامل تجزیه و تحلیل دردمندان مسائل فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، ادبی، سر رشته‌داری، مدنی و اخلاقی دهه‌های اخیر است به این امید که انگیزه‌ای باشد برای تأمل و بازنگری ساکنان مرز پرگهر در احوال خویشان.

م. ب. ماکان

بهار ۹۸